

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: جلال غربزدگی را تحت تاثیر قیام ۱۵ خرداد می نویسد و در ابتدای آن به شیخ فضل الله نوری ادای دین می کند. امروز در جمهوری اسلامی تجلیل از شیخ فضل الله کار سختی نیست اما در اوایل دهه ۴۰ و در بحبوحه تاریخ نگاری فراماسونری که شیخ هیچ جایگاهی در تواریخ رسمی نداشت، جلال او را تکریم می کند و سپس در اوایل دهه ۴۰ جلال کم کم به سوی مذهب گرایش پیدا می کند.

وی افزود: نسلی که من به آن تعلق دارم، نسلی است که جلال را در دهه ۴۰ شناخت و امثال من زیاد بودند که با ولع نوشته های روشنفکری را در مجلات آن زمان می خواندند. نسل ما با ۱۵ خرداد و قیام امام متولد شده بود و تصور ما و خود جلال از قیام، به تصور قبلی شبیه نبود. نثر دلنشین و بدیع جلال با هنرمندی ها و شجاعت او، برای جوان آن زمان، آموزنده و نگهدارنده از لغزش ها بود و جلال، جلال و منزلت خاصی داشت.

حداد عادل اضافه کرد: درباره جلال خیلی حرف ها هست و شرح این ماجراها، دینی است بر گردن امثال بنده که مدیون او هستیم. اما سه نکته در شخصیت جلال غیر قابل انکار است؛ استعداد شگرف او، صداقت او و شجاعتش که هیچ گاه از آنچه به سود ایران و مردم ایران بود، کوتاه نیامد اما سرنوشت نسلی که جلال به آن تعلق داشت، سرگذشت ناممومی بود. جلال مثل پروانه ای بود که مراحل دگردیسی را کامل طی نکرد و قبل از پروانه کامل شدن، در سن ۴۶ سالگی از دنیا رفت. در آینه سرگذشت جلال، سرگذشت یک نسل را می توان دید. اما امروز ما مذهبی ها حق را چنان که باید ادانی کنیم، به این دلیل که بعضی نوشته ها و حرف های او را نمی پسندیم. روشنفکران کلیشه ای هم از او خوششان نمی آید، برای اینکه به مذهب، روحانیت و مرجعیت نظر خوش داشت و با تحول درونی خود، خیر از تحول آینده جامعه ایرانی می داد. اما این مسئله جفا در حق جلال است و اگر دیگران از او یاد نمی کنند، ما نباید حق و سهم او را فراموش کنیم.

موج آل احمد در ادبیات ادامه می یابد

حسن رحیم پور ازغدی نیز که از سخنرانان این مراسم بود با طرح چند پرسش درباره نسل سوم ادبیات در دهه ۷۰ و ۸۰ گفت: معنای نمادین این جایزه این است که می خواهد موجی را که آل احمد در ادبیات، رمان، نقد ادبی و تاریخ نگاری ادبیات شروع کرده بود، ادامه دهد. اگر بچه های دهه ۵۰ را که با الهام از جلال و شریعتی تربیت شدند، نسل اول بدانیم و بچه های دهه ۶۰ را که در حوزه هنری مشق هنر می کردند، نسل دوم تلقی کنیم، فکر می کنم امروز شاهد نسل و موج سوم هستیم و شما نویسندگان به عنوان استادان این فن، باید این موج را هدایت کنید.

وی افزود: بسیاری از بچه های انقلاب با الگوبرداری از روی دست جلال و شریعتی کار خود را شروع کردند؛ مسئله ای که شاید شبه مافیای روشنفکری آن را انکار کند. این مراسم در واقع باید ادای دین به بچه هایی باشد که می خواهند راه آنها را ادامه دهند و به دست خود ما به حاشیه رفته اند. این جلسه نیاز فوری برای تشویق نسل سوم است.

این سخنران افزود: هنرمند مسلمان نباید از ترس رئالیست ها به دام رمانتیسیسم بیفتد. قوی ترین رمان های جهان در روسیه، انگلستان، آمریکا و فرانسه، متعلق به هنر ایدئولوژیک است که نه از جانب قلم های سوم شخص بی احساس بلکه جانبدارانه و مومنانه نوشته شده است.

ازغدی در پایان گفت: دروغ گفتن در عوالم هنر آسان است اما شما استادان می توانید به موج سوم سرگردان در حوزه و دانشگاه یاد بدهید که چگونه کنایه و مجاز و استعاره را حفظ کند تادروغ برای همیشه از عالم هنر محو شود.

گزارش دبیر جایزه ادبی جلال آل احمد

دکتر محمدعلی رضائی دبیر کتاب سال، کتاب

فصل و جایزه ادبی جلال آل احمد پیش از اهدای جوایز شایستگان تقدیر نخستین دوره این جایزه ادبی به ارائه گزارش این جایزه پرداخت. وی در این زمینه گفت: در این دوره از جشنواره آثار چاپ اول سال های ۸۵ و ۸۶ مورد داوری قرار گرفت و ان شاء الله از سال آینده به طور سالیانه برگزار می شود. در این دوره ۳۵۱۷ عنوان کتاب منتشر شده در ادبیات داستانی، نقد ادبی، تاریخ و مستندنگاری مورد داوری قرار گرفت و ۳۴۴۱ عنوان در دور اول داوری حذف شد و به این ترتیب ۷۶ عنوان کتاب به مرحله دوم راه یافتند.

رضائی گفت: در مرحله دوم هر اثر به وسیله دو داور ارزیابی و نتایج آن در برگه های طراحی شده ثبت شد و آثار واجد امتیاز بالاتر از ۷۰ از سوی داور سوم نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. آثاری که در مرحله دوم میانگین امتیاز ۸۰ و تا ۹۰ را کسب کرده بودند، شایسته تقدیر شناخته شدند اما هیچ اثری امتیاز بالای ۹۰ را کسب نکرد و به این ترتیب، اولین دوره جایزه ادبی جلال، برگزیده نداشت. او درباره دلیل این امر گفت: برگزیده نداشتن این جایزه حکایت از این می کند که امتیازات بالایی برای احراز مقام برگزیده در نظر گرفته شده است تا سطح ادبی این جایزه ارتقاء پیدا کند.

شایستگان تقدیر

در پایان این مراسم، جوایز پنج اثر شایسته تقدیر نخستین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون فرهنگی وی، دکتر غلامعلی حداد عادل و حسن رحیم پور ازغدی به نویسندگان این آثار اهدا شد.

در حوزه داستان از میان ۲۸ داستان بلند و ۲۲ داستان کوتاهی که به مرحله دوم داوری این جایزه راه یافته بودند، یک داستان بلند و یک مجموعه داستان شایسته تقدیر شناخته شد.

مجموعه داستان 'اژدهاکشان' نوشته یوسف علیخانی از انتشارات نگاه و داستان بلند 'قاعده بازی' نوشته فیروز زنوزی جلالی از نشر علم، شایستگان تقدیر بخش داستان این جایزه ادبی بودند.

در حوزه نقد ادبی نیز از میان ۲۰ اثر راه یافته به مرحله دوم داوری، دو اثر به طور مشترک شایسته تقدیر شناخته شد.

کتاب 'آیین آیین' (سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ و ادبیات ایرانی) نوشته دکتر حسینعلی قبادی با همکاری محمد بیرانوندی از انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، اولین اثر شایسته تقدیر در این بخش از جشنواره بود و کتاب 'از اسطوره تا حماسه' (هفت گفتار در شاهنامه پژوهی) نوشته سجاد آیدنلو از انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد نیز به طور مشترک با اثر قبلی، به عنوان کتاب شایسته تقدیر در حوزه نقد ادبی معرفی شد.

در حوزه تاریخ نگاری و مستندنگاری نیز از میان شش اثر راه یافته به مرحله دوم داوری، کتاب 'سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام' (۱۳۸۴-۱۳۴۴) به کوشش جمعی از پژوهشگران موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی از انتشارات همین موسسه به عنوان اثر شایسته تقدیر انتخاب شد.

جایزه شایستگان تقدیر این جشنواره ادبی از لوح تقدیر، نشان ادبی جلال، تندیس سیمین و ۲۵ سکه بهار آزادی تشکیل شده بود.

در این مراسم همچنین نماهنگ ها و فیلم های کوتاهی درباره جلال آل احمد پخش شد و بخش هایی از کتاب های 'مدیر مدرسه' و 'حسی در میقات' جلال آل احمد به وسیله امیرحسین مدرس و انوشیروان ارجمند اجرا شد. کارگردان هنری این برنامه نیز سعید اسماعیلی بود.

دومین جایزه ادبی جلال سال آینده برگزار می شود. مطابق اساسنامه ای که به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، جایزه نفرات اول این جشنواره، ۱۱۰ سکه بهار آزادی تعیین شده است. این جشنواره امسال با معرفی پنج نویسنده شایسته تقدیر به کار خود پایان داد و باید دید که آیا این جایزه در سال آتی، برگزیده خواهد داشت؟

با معرفی آثار شایسته تقدیر صورت گرفت

بازتاب های گسترده جایزه جلال

گلناز اسکندر حمزه: برگزاری اولین دوره جایزه

جلال آل احمد با بازتاب گسترده رسانه ای همراه بود. بسیاری بر اهمیت این جایزه صحنه گذاشتند و از نقش و اهمیت آن گفتند. چند نکته در مورد جایزه جلال مورد توجه رسانه ها و وبه ویژه رسانه های شخصی (وبلاگ ها) قرار گرفت که برخی از آنها قابل پیش بینی بود.

نویسنده وبلاگی با ابراز خوشحالی از برگزاری جایزه جلال آل احمد، چند نکته را از جمله خصوصیات مثبت این جایزه بر شمرده است. او نخست از داوری های درست و عادلانه این جایزه به نیکی یاد می کند و سپس کسانی را که در این جایزه تقدیر شده اند شایسته این تقدیر می شمارد. نویسنده این وبلاگ که 'مرگ' نام دارد می نویسد: 'لینک خبر را با مسنجر برایم فرستادند و من با خواندن آن، از خوشی بال درآوردم.' وی از آشنایی خود با کتاب یکی از نویسندگان برگزیده می نویسد: 'این کتاب را بارها خواندم و آرزو کردم کاش به انگلیسی ترجمه و در جای معتبری چاپ می شد. وی سپس می نویسد: 'در این سالها اموخته ام که در میان جوایز گوناگون ادبی، هنری، علمی و... در جوایز غیر دولتی روشنفکری اگر در مجموعه ای نباشی، هیچگاه نخواهند شناخت و جایزه ای در کار نخواهد بود؟'

در این میان اما مریم حسینیان در وبلاگ خود از زاویه ای دیگر به ماجرا پرداخته است. او در مطلبی که درست در شب اهدای جایزه نوشته از علاقه خود به جلال آل احمد یاد کرده و سپس پیش بینی کرده است که روزهای آتی برندگان این جایزه نقد خواهند شد. حسینیان در ادامه پست وبلاگ خود در قالب نامه ای به جلال آل احمد به ارایه نکات جالبی می پردازد: 'استاد ارجمند جناب آقای جلال آل احمد، سلام/ غرض از مزاحمت و تحریر این چند سطر، تنها اظهار دلنگی است. اگر از حال ما بپرسید ملالی نیست جز دوری شما. از 'تات نشین های بلوک زهرا' شروع کردیم... آقا جلال! دست روی دلمان نگذارید. تازگی هاهرکس می خواهد از نردبان داستان نویسی بالا برود، اول بادی به غیغ می اندازد و بعد اسم آشنایان شما را بلغور می کند و آن وقت می گویند شما داستان نویس نبوده اید... تازه عده ای پیغام فرستادند که اگر شما را دیدیم حتما بگویم نثر تلگرافی قدیمی شده، قصه نو و القلم شما اطناب دارد، نفرین زمین باید باز نویسی شود، ترجمه سوتفاهم آبر کامو به دل نمی نشیند. او سپس از بی اعتباری برخی از جلسات ادبی روشنفکر نمایانه می نویسد و با بیان اینکه قصد داشته آل احمد را برای جشن تولدش به یکی از این جلسات دعوت کند می نویسد: 'ولی پشیمان شدیم شما را به چنین مهمانی دعوت کنیم. اصلا حیفمان آمد که عده ای بیابند و روی صندلی دیگران بنشینند و داستان مدرن بخوانند و همدیگر را تایید کنند. اگر بدانید این پایین چه خبر است؟ خوش به حال شما که نشسته اید روی ابرتان و به ما و ادا هیامان می خندید. این روزها همه منتقد و داستان نویس شده اند. هیچ کس هم آن یکی را قبول ندارد. خیلی هم با هم دعوا می کنند. یعنی حرفهای بی ادبی به جد و آباء همدیگر می زند و اسمش را می گذارند نقد ادبی یا مثلاً یادداشتی بر کتاب فلان.'

حسن محمودی هم در وبلاگ خود که 'آدم و حوا' نام دارد، از گفتگوی یوسف علیخانی (یکی از برندگان جایزه جلال)، چندی قبل از موقیقتش یاد کرده که با خبرگزاری مهر انجام شده بود. وی در این گفتگو به این نکته اشاره کرده بود که تنوع جوایز ادبی آن قدر باید زیاد باشد که بخش بیشتری از سلیقه های ادبی، جایزه بگیرند: 'من منظور یوسف راهمان روز به خوبی درک کردم، یوسف می دانست که برخی از کتاب ها در سلیقه داوری جوایز کنونی نمی گنجد. همان طور که اگر کتاب سال به رمان آندکی سایه احمد بیگدلی جایزه نمی داد، هیچ گاه آن اتفاق فرخنده برایش نمی افتاد و همچنان در یزدانشهر نجف آباد در حسرت خیلی چیزها بود که امروز به مدد همان جایزه نصیبش شده.' حسن محمودی سپس با بیان اینکه کسانی در جایزه جلال موفق بوده اند که سابقه فرهنگی خوبی

دارند، از جایزه ادبی اصفهان یاد کرده است. این وبلاگ نویس در ادامه با ابراز خوشحالی از اینکه نویسندگانی همچون زنوزی جلالی و یوسف علیخانی از جمله برندگان این جایزه بوده اند، ادامه می دهد: 'یادمان باشد اگر جایزه ای را نمی پسندیم، حق نداریم برنده اش را با کنایه و متلک و ترحم مورد خطاب و عتاب قرار دهیم. به اعتقاد من اثری منتشر شده و مورد قضاوت قرار گرفته. طبیعی هم هست که هر جایزه ای معیارهای خاص خودش را داشته باشد. بنابراین همین معیارها ست که یک جایزه، رنگ و بو می گیرد و شناسنامه دار می شود.'

وی در پایان نوشته است: 'در نیت برگزار کنندگان جایزه های ادبی، چه دولتی، چه خصوصی شک نکنیم و به داوری هایشان احترام متقابل بگذاریم تا آن ها نیز که مثل ما فکر نمی کنند، همین مرام را پیشه خود کنند. تا آنجایی که دستگیرم شده برگزار کنندگان جایزه ادبی جلال آل احمد به ادبیات جایزه داده اند و نه خط و مشی های سیاسی و جناحی. نتایج اعلام شده نیز حاصل نگاه داوران بوده. جایزه جلال آل احمد خوشبختانه مصوبه شورای انقلاب فرهنگی است و دولت های بعدی هم موظف به برگزاری اش خواهند بود.'

در سویی دیگر نویسنده وبلاگ 'هفت ها' از منتقدان جایزه جلال آل احمد است. او به مصاحبه یکی از برندگان این جایزه بایکی از خبرگزاری ها اشاره می کند و به نتایج مثلاً جالبی می رسد! مثلاً او بحث جهانی شدن این نویسنده را مطرح می کند و این پرسش را مقابل خواننده اش می گذارد که 'آیا توجه به مسائل بومی، با جهانی شدن جور در می آید؟ به این سوال نویسنده وبلاگ فوق بارها پاسخ داده شده است. با این همه او فراموش کرده است که یکی از راه های جهانی شدن، توجه به مسایل بومی و اقلیمی است، مگر نویسندگان امریکای لاتین با این شیوه موفق به مطرح شدن در سطح جهان نشده اند؟'

جواد عاطفه نیز در وبلاگ خود یکی از برندگان جایزه جلال را به این دلیل نقد کرده است که نگاهش متوجه سنت هاست حال آنکه وی کمتر نویسنده جوانی را می شناسد 'که پیرو این نگاه متعلق به جلال آل احمد باشد. وی دلیل خاص دیگری را ذکر نمی کند. رضا شکرالهی هم در وبلاگ خود به این نکته انتقاد کرده که در ابتدا جایزه ۱۱۰ سکه ای مطرح شده و سپس به تقدیر شدگان جایزه ۲۵ سکه ای اهدا شده است. این وبلاگ نویس فراموش کرده است که بسیاری از جوایز هیئت داوران هیچ نویسنده ای را شایسته برگزیده شدن ندانسته اند و در نتیجه جایزه نفر نخست رشته های گوناگون به کسی اهدا نشده است. او سپس با بیانی تند و کنایه آمیز درباره برنده بخش رمان مدعی شده است: 'اغلب اهل ادبیات، رمان قاعده بازی را نمی شناسند و از وجودش حتی بی خبرند. رمان قاعده بازی هیچ ربطی به فیلم معروف 'ژان رنوار' ندارد. دوست من که آشنای زنوزی جلالی هم هست، از صفحه سی ام آن توانسته بود رد شود و آن را بسته بود. خود من هنگام خواندن آن به صفحه پنجم نرسیده، بستمش. اگر کم ترین حدسی می زدم که برنده می شود، دست کم من هم تا صفحه سی ام اش را می خواندم.'

با این همه بسیاری دیگر جایزه جلال را ستودند. عبدالعلی دستغیب در مورد این جایزه گفت است: انتخاب ها و داوری های این جایزه با دقت تمام انجام گرفته و داوران نسبت به اهمیت کار خودشان آگاه بوده اند. به جرات می گویم که شبیه داوری کاملاً بی طرفانه بود و در نهایت تنها 'هنر' است که نمره می گیرد. وی افزود: 'انتخاب ها با دقت و تیزبینی انجام شد و داوران با بررسی های علمی و آگاهانه کارشان را انجام دادند. به این ترتیب انتخاب شدگان بدون در نظر گرفتن مسائل شخصی گزینش شدند.' بازتاب جایزه فرهنگی جلال، چه کسانی که تجلیل آن برخوردارند و چه کسانی که به نقدش نشنستند، نشان از اهمیت جایزه دارد، و گر نه چه بسا جایزه هایی برگزار می شود و کسی از آنها خبردار نمی شود.